



هربرت. ا. سایمون در ۱۵ ژوئن سال ۱۹۱۶ در میلواکی در ایالت مینه سوتای آمریکا به دنیا آمد. پدر هربرت که یک مهندس الکترونیک بود پس از اخذ مدرک خود در سال ۱۹۰۳ از آلمان به ایالات متحده آمد. او نیز که فردی نوآور بود دکترای افتخاری خود را از دانشگاه مارکونت برای فعالیت های بسیارش در ارتباطات دریافت کرد.

هربرت سایمون تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در میلواکی گذراند و از طرفی منزل آن‌ها نیز محل خوبی برای تعلیم و تربیت بود، مثلاً خانه سایمون‌ها انبوهی از کتاب‌ها در زمینه های مختلف را در خود جای داده بود. دوران مدرسه هربرت سایمون بسیار دلچسب بود و دانش آموزان در مدرسه زمان زیادی را برای بیس بال، فوتبال، هاکی، کمپینگ و فعالیت های فوق برنامه می گذراندند. در منزل نیز معمولاً میز شام آن‌ها محل بحث های سیاسی و علمی بود. هربرت، دایی جوانی داشت که در رشته

هربرت سایمون

متفکری نوآور

برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۸
به پاس پیشگامی در مطالعات مربوط به فرآیند
تصمیم گیری در سازمان های اقتصادی

دکتر ابوالفضل شهرآبادی
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان)
www.shahrabadi.ir

نودا بشیری
(کارشناس ارشد مدیریت مالی، ناظر معاملات بورس استان قزوین)
noda.bashiri.googlepages.com

”

هربرت سایمون در دهم دسامبر سال ۱۹۷۸ جایزه نوبل اقتصاد را به دلیل پیشگامی در مطالعات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان‌های اقتصادی دریافت کرد.

”



درگذشت.

هربرت سایمون در دهم دسامبر سال ۱۹۷۸ جایزه نوبل اقتصاد را به دلیل پیشگامی در مطالعات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان‌های اقتصادی دریافت کرد.

قبل از پرداختن به موضوع اصلی که تصمیم‌گیری در سازمان‌های اقتصادی است، به بیان توضیحاتی در مورد انسان عقلایی می‌پردازیم. نظریه مطلوبیست نهایی از پیش‌بینی‌های اقتصاد نئوکلاسیک است که بر طبق آن انسان به گونه‌ای عقلایی تصمیم می‌گیرد. این نظریه در ربع پایانی قرن نوزدهم میلادی با مطالعات منجر در وین، لئون در لوزان و ویلیام استنلی ژویونز در لندن گسترش پیدا کرد. این نظریه پیش از هر چیز مطابق

”

اگر ما بپذیریم که هم دانش و هم توان محاسباتی تصمیم‌گیرندگان به شدت محدود است آن‌گاه باید میان دنیای واقعی و استنباط بازیگران اقتصادی از آن و نحوه استدلال آن‌ها درباره آن، تمایز قائل شویم.

”

با زندگی اقتصادی برای تقاضا و مصرف در برابر تولید و عرضه است و ارزش را در قالب اصطلاحات ذهنی نظریه‌پردازی می‌کند. به عبارتی می‌توان ادعا کرد، در نظریه نئوکلاسیک بازار، داشتن شناخت و اطلاعات کامل، از فروض اولیه است که طی آن فرد سطح آرمانی را انتخاب کرده و بر اساس آن اقدام به طراحی جایگزین کرده یا از بین گزینه‌های موجود، بهترین را انتخاب می‌کند. در دهه ۱۹۵۰، هربرت سایمون ثابت کرد



اقتصاد تحصیل می‌کرد و همواره یک نمونه قابل تحسین در خانواده به شمار می‌رفت. اگرچه دایی او یعنی "هارولد مرکل" (Harold merkel) به زودی زندگی را وداع گفت اما خاطرات و بسیاری از کتاب‌های اقتصاد و روانشناسی اش را برای هربرت جوان به جای گذاشت و او نیز به راه دایی خود رفت. در سال ۱۹۳۳ او وارد دانشگاه شد و لیسانس خود را در سال ۱۹۳۶ و دکتری را در سال ۱۹۴۳ از دانشگاه شیکاگو گرفت. از سال ۱۹۳۸-۱۹۳۶ نخستین شغل تحقیقاتی خود را در دانشگاه شیکاگو تجربه کرد. او استادی دانشگاه کارنگی ملون، ریاست هیات مدیره موسسه تحقیق در علوم اجتماعی، عضویت کمیته مشاوران علمی رئیس جمهوری، دفتر بودجه ایالات متحده، عضو ممتاز انجمن اقتصاددانان و روانشناسان، و ریاست کمیته علوم رفتاری بنیاد علوم ملی را دارا بوده است. سرانجام وی در نهم فوریه سال ۲۰۰۱



که انسان به دلیل مواجهه با عدم قطعیت و نبود دسترسی به اطلاعات آینده، دارای محدودیت های ادراکی است به گونه ای که نمی تواند بر طبق پیش بینی اقتصاد نئوکلاسیک، عاقلانه و منطقی تصمیم گیرد. او این موضوع را به خوبی بیان کرد: اگر ما بپذیریم که هم دانش و هم توان محاسباتی تصمیم گیرندگان به شدت محدود است آن گاه باید میان دنیای واقعی و استنباط بازیگران اقتصادی از آن و نحوه استدلال آن ها درباره آن، تمایز قائل شویم. به عبارت دیگر ما باید درباره فرآیند تصمیم گیری نظریه پردازی کنیم (و آن را به صورت تجربی بیازماییم) نظریه ما نباید تنها شامل فرآیندهای استدلال شود بلکه باید فرآیندهای مولد تجسم ذهنی بازیگران از مسأله تصمیم و نیز فرآیندهای مولد چارچوب فکری ایشان را در بر گیرد. یعنی صرف نظر از این که معیارهای انتخاب و سطح آرمانی چیست، یک فرد نمی تواند ادعا کند که در یک تصمیم

نیست و غالباً به یک «تصمیم رضایتبخش» اکتفا می کند. به عبارت دیگر، آن کسی که در مقام تصمیم گیری است به محض این که راه حلی بیابد که از آن طریق بتواند ضمن تأیید برخی از نیازمندی های تعیین شده، به هدف اصلیش برسد، آن راه حل را بر می گزیند و از جستجو برای

ما دارای محدودیت ادراکی خواهیم شد - اما چون به هر حال از آن بی اطلاعیم به الزام آن را انتخاب نخواهیم کرد. در عوض فرد یا عامل اقتصادی در پی «رضایت کافی» است. یعنی در ذهن خود یک «سطح آرمانی» تعریف شده دارد و اولین گزینه ای را که به این سطح برسد، انتخاب می کند.

این گزینه انتخاب شده در واقع به «اندازه کافی رضایت بخش» است. در نهایت ما حداکثر می توانیم از «یک زیرمجموعه از بهترین ها» بهترین را انتخاب کنیم.

«سایمون» اعتقاد دارد که تصمیم گیرنده معمولاً در جستجوی یافتن «تصمیم بهینه» به مفهوم اقتصادی آن



غنا در اطلاعات موجب فقر در توجه می شود و نیاز به تخصیص توجه به شکل کارآ میان منابع زیاد اطلاعاتی که می توانند آن را مصرف کنند به وجود می آید

یافتن بهترین راه حل دست می کشد. زیرا گاهی جستجو برای یافتن بهترین راه حل خود موجب ایجاد هزینه فرصت از دست رفته یا تحمیل هزینه های اقتصادی



که افراد برای دست یافتن به هدف معینی فعالیت های خود را هماهنگ می کنند، در واقع آگاهانه تصمیم می گیرند که چه راهی را از بین راههای قابل دسترس مختلف برای عمل، انتخاب کنند. هم چنین او اگر چه معتقد به مشارکت افراد در تصمیم گیری های سازمانی است، به این نکته نیز قائل است که هم زمان با پیوستن به سازمان، دخالت سازمان یا اعمال نفوذ بر تصمیمات یا به عبارتی نقش محدود کننده تبعات سازمانی را نیز باید پذیرا باشیم.

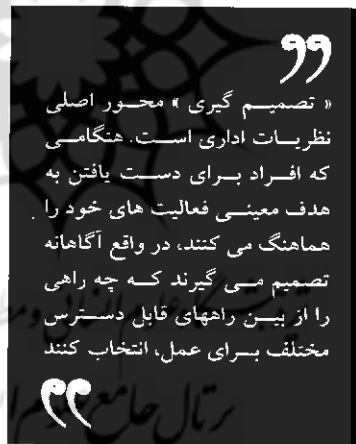
موارد محدود کننده تصمیمات افراد را عواملی مانند تقسیم کار می توان دانست که باعث می شود افراد در حوزه کاری که به آن ها محول شده به گزینه یابی و تصمیم گیری بپردازند و یا اختیار از دیگر عواملی است که افراد را وادار می کند که تنها در حوزه ای که صلاحیت اداری دارند و حیطه ای که به آن ها تفویض اختیار شده در پی تصمیم گیری باشند.

برخی مقالات سایمون عبارتند از:

- ۱- الگوهای انسان (۱۹۵۶)
 - ۲- علوم مصنوعی (۱۹۶۹)
 - ۳- مدل های اکتشاف (۱۹۷۷)
 - ۴- الگوهای منطق محدود (۱۹۸۲)
- کتاب های او نیز عبارتند از:
- ۱- رفتار اداری
 - ۲- مدیریت دولتی (۱۹۵۰)
 - ۳- سازمان ها با همکاری جی. جی. مارچ (۱۹۵۸)
 - ۴- علم جدید تصمیم گیری مدیریت (۱۹۶۰)
 - ۵- شیوه خودکاری برای افراد و مدیریت (۱۹۶۵).

کار دارد. در دنیای حاضر، آنچه فراوان می باشد، اطلاعات است، پس در طرف دیگر باید به دنبال یک منبع محدود و فقیر باشیم، و آن چیزی نیست جز مصرف کننده اطلاعات یا توجه گیرندگان اطلاعات.

هربرت سایمون از نخستین متفکرانی بود



« تصمیم گیری » محور اصلی نظریات اداری است. هنگامی که افراد برای دست یافتن به هدف معینی فعالیت های خود را هماهنگ می کنند، در واقع آگاهانه تصمیم می گیرند که چه راهی را از بین راههای قابل دسترس مختلف برای عمل، انتخاب کنند

که به این موضوع پرداخت. او در سال ۱۹۷۱ نوشت:

«غنا در اطلاعات موجب فقر در توجه می شود و نیاز به تخصیص توجه به شکل کارآ میان منابع زیاد اطلاعاتی که می توانند آن را مصرف کنند به وجود می آید.»

نظریات هربرت سایمون در حوزه علوم اداری :

سایمون عقیده دارد که « تصمیم گیری » محور اصلی نظریات اداری است. هنگامی

خواهد شد. گاهی بهترین زمان را برای پیدا کردن بهترین تصمیم از دست می دهیم چرا که در شرایطی می توان تصمیم کاملاً عقلانی گرفت که نخست، کلیه شقوق ممکن برای حل مسئله، مورد بررسی قرار گیرد، و دوم، میزان قابلیت پیش بینی نتایج و بازخوردهای هر یک از شقوق مشخص شود و سپس راه حل های بهینه انتخاب شوند و این گاهی انعطاف پذیری اقتصادی سازمان یا حتی انعطاف پذیری اداری را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین نتیجه می گیریم، بنگاه های اقتصادی حتی اگر هم بخواهند نمی توانند به بیشینه کردن سود اقدام کنند و لذا متقاعد می شوند که برای رسیدن به یک سطح معین و عقلایی که سطح رضایتبخش نام دارد. تلاش کنند.

هم چنین پژوهش های بعدی در حوزه روانشناسی و اقتصاد که منجر به تاسیس یک شاخه علمی به اسم اقتصاد رفتاری شد بر روی بررسی این موضوع متمرکز است که رفتار انسان ها در دنیای واقع تا چه حد با فرضیات موجود در علم اقتصاد نزدیک است و چه انحراف هایی از آن می تواند در این آزمایش ها مشاهده شود. سایمون بعد جالب تری از مساله را هم مطرح کرده است، موضوعی که می توان در این مورد بحث کرد، اقتصاد توجه مدار است، می دانیم که علم اقتصاد با منابع محدود و نیازهای نامحدود سرو